با چالش مهمی روبه‌رو شده‌اند.»

زنان آسیب‌دیده از سیل، برای دسترسی به محصولات بهداشتی با مشکل مواجهند. بعضی از صحبت کردن درباره قاعدگی با ارائه‌دهندگان کمک احساس ناراحتی می‌کنند، اما کمک‌های غیردولتی همیشه حاوی محصولات بهداشتی نیست. «فرشته»، ۴۹ ساله، از ولسوالی نهرین ولایت بغلان، می‌گوید که بعضی از زنان در دوره قاعدگی خود به محصولات بهداشتی نیاز دارند اما نمی‌توانند در مورد آن صحبت کنند و درخواست نوار بهداشتی کنند. او به «افغان‌تایمز» گفته که با سایر زنان پریود در محله صحبت کرده و آنها را تشویق کرده است تا مسئولان را درباره نیازهای خود آگاه کنند. او می‌گوید که بسیاری احساس می‌کنند نمی‌توانند درباره چنین موضوعی صحبت کنند و از صحبت کردن می‌ترسند: «زنان به‌جای استفاده از محصولات بهداشتی مناسب، به استفاده از تکه‌های پارچه روی می‌آورند اما این کار دشوار است. آن زمان با پزشکانی که در کمپ پزشکی روستاهای سیل‌زده بودند تماس گرفتم و به آنها از قاعدگی زنان اطلاع دادم.»

داوطلبان می‌گویند که مردم در بحث قاعدگی به‌دلیل تابوهای فرهنگی مرددند. شعیب یکی از این داوطلبان می‌گوید: «صحبت درباره قاعدگی و سلامت قاعدگی هنوز یک تابو در منطقه محسوب می‌شود. مردم درباره این موضوع صحبت نمی‌کنند.» باوجود تلاش‌های آنها برای افزایش آگاهی درباره پدهای بهداشتی، او و تیمش هنگام بحث درباره محصولات بهداشتی با جامعه با مشکلاتی مواجه شده‌اند: «زنان برای گرفتن محصولات بهداشتی از تیم داوطلب زن ما مردد بودند. آنها سعی کردند تا آنجا که می‌توانند آنها را متقاعد کنند. پذیرفتن این موضوع که قاعدگی بخشی عادی از زندگی زنان است و گفت‌وگوهای آزاد در مورد آن مهم است.»

فاطمه، خبرنگاری از روزنامه‌های افغانستان می‌گوید، زنان به‌دلیل موقعیت اقتصادی و اجتماعی‌ای که در آن قرار دارند نسبت به گروه‌های دیگر مقابل بلایای طبیعی آسیب‌پذیرتر هستند: «بعد از سیلاب، همچنان تقسیم‌بندی کار جنسیتی وجود دارد و آنها مدام باید در خیمه‌ها کار مراقبتی انجام دهند. زنان شغلی ندارند و ممنوع از کار کردن هستند و بیشتر از مردان آسیب روحی می‌بینند، چون حتی نمی‌توانند جایی بروند و تمام محیط‌شان به همان محیط آسیب‌دیده محدود می‌شود. حوادث طبیعی با سیاست‌های حکومتی در هم تنیده شده‌اند. نیازهای زنان مثل نیازهای زمان قاعدگی مدنظر قرار نمی‌گیرد. زنان نمی‌توانند به‌صورت آزادانه لباس زیرشان را بشورند و در آفتاب پهن کنند. عده‌ای از زنان خونریزی زیاد دوران قاعدگی دارند و دچار مشکلات بهداشتی شده‌اند. طالب‌ها حوادث طبیعی را موضوعی می‌دانند که مردم باعث رخداد آن شده‌اند و توجهی به نیازهای مردم ندارند. سیاست‌های تبعیض‌آمیز طالبان در حوادث طبیعی بیشتر نمود پیدا می‌کند.»

▼ خانه، گورستان زنان

بعد از اعلام آمارهای کشته‌شدگان سیلاب‌ها بود که بسیاری از فعالان زن افغانستان موضوع تبعیض‌ها و سرکوب زنان در این کشور را دوباره پررنگ کردند و گفتند ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های وضع‌شده توسط طالبان برای زنان ازجمله محدودیت‌های تحصیل و خروج از خانه در افزایش تعداد زنان کشته‌شده بی‌تاثیر نبوده است.

حالا بیش از یک‌ماه از سیل در بعضی مناطق افغانستان گذشته و همین تبعیض‌ها کار بازماندگان زن از سیل را سخت‌تر هم کرده؛ زنانی که جان سالم به در برده‌اند اکنون بی‌خانمان‌اند؛ به گفته مرجان، فعال زنان از ولایت بغلان، حالا خود را در خیابان‌ها می‌بینند و نیاز مبرمی به کمک‌های نجات‌بخش دارند؛ زنانی که به گفته او تأثیر ویرانگرتری از چنین حوادثی می‌بینند.

زهرا موسوی، فعال حقوق زنان افغان به «هم‌میهن» درباره وضعیت زنان بعد از سیل اخیر می‌گوید. به گفته او طبق پیش‌بینی‌ها حداقل ۸ استان دیگر در معرض تغییرات اقلیمی شدیدند و با توجه به وضعیتی که طالبان برای زنان به‌وجود آورده، مسئله دسترسی زنان به خدمات عمومی، بهداشتی و درمانی بسیار فاجعه‌بارتر از همیشه است: «ما وقتی درباره افغانستان صحبت می‌کنیم درباره جامعه‌ای حرف می‌زنیم که به‌دلیل شیوه تولیدی و شیوه معیشت توسعه‌نیافته دهقانی و عشیره‌ای، کمربند مردسالاری نامیده شده است. در چنین بستری، وجود زنان در چارچوب خانه، سیلاب و زلزله تشدیدکننده وضعیت انسداد و انقیاد برای زنان است. آمارهای جسته و گریخته می‌گویند که به‌رغم عمومیت داشتن فاجعه سیلاب، به‌دلیل ارزش‌ها و سنت‌های حاکم اگر هم در بسیاری از مکان‌ها احتمال نجات‌یافتن‌شان بوده، نجات پیدا نکرده‌اند چون با توجه به امکاناتی که برای اعضای مرد خانواده وجود داشته، اولویت نجات مردان بوده است. به وضوح شکاف جنسیتی در این بلای طبیعی را می‌بینیم. به‌طوری که زنان بیشترین قربانیان این حادثه بوده‌اند.» او می‌گوید با توجه به عرف و قوانین سختگیرانه طالبان، پزشکان مرد اجازه ندارند زنان را درمان کنند حتی در شرایط اضطراری از این دست: «یعنی ساختاری وجود دارد که اگر طالبان بفهمد که زنی توسط پزشک نامحرم درمان شده با عقوبت روبه‌رو خواهد شد. این لایه دیگری از هزینه انسانی است که زنان افغان در وضعیت بحران می‌پردازند. توسعه‌نیافتگی و فقر مضاعفی که بعد از استقرار طالبان در افغانستان رقم خورده، باعث شده که بسیاری از ساخت‌وسازها از حداقل مقاوم‌سازی برخوردار باشند. ما با خانه‌هایی روبه‌روییم که بالقوه قبرستان‌اند و هر آن ممکن است یک رویداد طبیعی آن خانه را بر سر ساکنانش آوار کند. سنت‌هایی که برای خانه‌نشین شدن زنان در دوران طالبان وجود دارد به شدت افزایش پیدا کرده و ما شاهد احیای سنت‌های جنسیت‌زده پیشینی هستیم که خود همین موضوع هم در قربانی شدن زن‌ها در بحران‌های طبیعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.»

> **گزارشی که به تازگی بخش زنان سازمان ملل متحد منتشر کرده حکایت از تشدید تبعیض‌ها علیه زنان در این کشور دارد؛ وضعیتی که بعد از به قدرت رسیدن دوباره طالبان روزبه‌روز فجیع‌تر می‌شود و به گفته این گزارش، این حکومت، طی حدود سه سال با بیش از ۷۰ فرمان، دستورالعمل و بیانیه و همچنین روش‌هایی سیستماتیک، نتیجه دهه‌ها پیشرفت در زمینه برابری حقوق زن و مرد را از بین برده است**

به گفته زهرا، هست و بود زنان در جامعه افغانستان اولویت ندارد: «می‌شود تصور کرد که این سیلاب‌ها چه بر سر تتمه ثبات روحی زنان در معرض این حادثه طبیعی آورده است. آمار تکان‌دهنده خودکشی‌های زنان جوان در سه سال گذشته دلالتی بر این مدعاست که ما با یک بحران اجتماعی و روحی فراگیر در بین زنان افغان روبه‌روییم. بدیهی است که افزایش آمارهای خودکشی با ساختارهای مضاعف فشار و سرکوب جاری بر زنان ارتباط مستقیم دارد.»

در بیانیه اخیر بخش زنان سازمان ملل توصیه شده است که برای مبارزه با وضعیت زنان، از سازمان‌های جامعه مدنی زنان افغانستان با تخصیص بودجه درازمدت حمایت شود. به گفته این سازمان، جامعه جهانی از اقداماتی که می‌تواند به‌طور ناخواسته از سیاست‌ها، هنجارها و ارزش‌های تبعیض‌آمیز طالبان حمایت یا آن را عادی‌سازی کند، جلوگیری کنند: «اطمینان حاصل شود که حداقل ۳۰ درصد از تمام کمک‌های مالی به افغانستان به ابتکاراتی اختصاص می‌یابد که صراحتاً با هدف ارتقای برابری جنسیتی، حقوق زنان و اجتناب از حمایت از پروژه‌های کور جنسیتی صورت می‌گیرد.»

زهرا موسوی درباره کمک‌های جامعه بین‌المللی بعد از سیلاب‌های اخیر می‌گوید: «جوامع بین‌المللی اعلام می‌کنند که کمک‌های خود را به بازماندگان سیل و زلزله در افغانستان از طریق طالبان به مردم رسانده است ولی دراین‌باره ما با یک مسئله دولبه روبه‌روییم؛ چون طالبان از هیچ جهت مشروعیتی برای رساندن این کمک‌ها به مردم ندارد. طالبان به‌دلیل فساد ساختاری و نداشتن نیروی متخصص برای رسیدگی به امور در زمان بحران، بخش عمده‌ای از این کمک‌های بین‌المللی را برای تحکیم بنیان‌های مافیایی خودشان به کار می‌بندند. مردم بارها اعلام کرده‌اند که این کمک‌ها به دست‌شان نرسیده است.»

فاطمه، خبرنگاری که به خواسته خود از افغانستان خارج نشده تا بتواند درباره وضعیت زنان اطلاع‌رسانی کند به هم‌میهن می‌گوید، زنان بعد از روی کار آمدن طالب‌ها نه‌تنها حقوقی که قانون برایشان تعریف کرده بود بلکه تمام حقوق بنیادی‌شان را از دست دادند: «حداقل چیزی که زنان در افغانستان داشتند، حق بر پوشش‌شان بود. پیش از اینکه ورود طالب‌ها از بلندگوهای ولسوالی بغلان اعلام کردند که زنان باید «چادَری» و برقع به تن کنند، جداسازی جنسیتی در بانک‌ها، دانشگاه‌ها و راه‌های رفت‌وآمد و... اتفاق افتاد. وقتی که کابل را تصرف کردند و تمام افغانستان زیردست‌شان افتاد، از طریق قوانین رسمی زندگی زنان را همانطور که خودشان می‌خواستند سمت‌وسو دادند. حق مشارکت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را از دست دادند.»

او می‌گوید روند آموزشی زنان بعد از روی کار آمدن طالبان دچار انحطاط شد: «دانشگاه‌ها و مکاتب بسته شد. زنان حق آموزش ندارند و در جامعه‌ای که اکثریت زنان سواد و خواندن نوشتن ندارند، این موضوع فاجعه است. همزمان با بسته‌شدن مکاتب شاهد افزایش مدرسه‌های دینی هستیم که زنانه‌اند. دختران در نبود مکاتب به سمت این مدرسه‌ها سوق داده می‌شوند. تدریس در این مدارس آموزش به سبک طالبانی و در جهت سرکوب اندیشه است. چندروز پیش، طالب‌ها به‌خاطر افزایش ایجاد مدارس دینی از دولت‌های خارجی کمک خواسته بودند. وقتی با زنانی که به این مدارس می‌روند صحبت کردم، آنها می‌گفتند که چه کنیم وقتی هیچ جای دیگری برای تدریس نیست؟»

به گفته فاطمه، شکاف‌های طبقاتی، تضادهای قومی و زبانی و نابرابری‌ها پس از روی کار آمدن طالبان تقویت و تشدید شده است: «فقر در افغانستان بیشتر رنگ زنانه دارد. زنانی که نان‌آور و سرپرست خانوار بودند حق کار ندارند و عده‌ای به تکدی‌گری و روسپی‌گری روی آورده‌اند یا از سر ناچاری مجبورند بروند با یک مرد ازدواج کنند. زن افغانستانی نه‌فقط به‌خاطر زن بودن که بلکه به‌خاطر زبان و قومیت‌اش هم مورد خشونت قرار می‌گیرد.»

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- حوزه ثبت ملک ولیعصر تهران

پیش نویس آگهی فقدان سند مالکیت

خانم نفیسه رئیسی کیا وکالتاً از طرف بیمارستان آریا طبق وکالتنامه شماره ۳۱۱۴۳ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۴ دفتر ۱۵۴۵ تهران با تسلیم استشهادیه گواهی شده شماره ۱۵۸۶۶ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۳ دفتراسناد رسمی شماره ۱۵۴۵ تهران طی درخواست مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۲۵ با اعلام اینکه سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۳۱۰۰ مترمربع به پلاک ثبتی ۳۳ فرعی از ۳۷۳۳ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۲۹ فرعی از اصلی مذکور، واقع در بخش ۳ تهران ذیل ثبت ۶۸۱۹ صفحه ۸۱ دفتر املاک ۶۳ به نام ابراهیم چهرازی به شماره چاپی ۳۲۴۴۸۷ ثبت و سند صادر و تسلیم گردیده و سپس به موجب سند قطعی شماره ۳۷۲۲۵ تاریخ ۱۳۵۳/۰۳/۲۱ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۷۸ شهر تهران به بیمارستان آریا منتقل گردیده است که به علت اسباب‌کشی مفقود گردیده و پنج مورد بازداشت دائم به موجب دستور شماره ۱۴۰۲۰۵۸۰۱۰۱۴۰۰۲۶۳۱ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۴ صادره از اداره چهارم اجرای اسناد رسمی تهران و به موجب دستور شماره ۱۴۰۲۰۵۸۰۱۰۱۴۰۰۲۶۳۹ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۴ صادره از اداره چهارم اجرای اسناد رسمی تهران و به موجب دستور شماره ۱۴۰۲۰۵۸۰۱۰۱۴۰۰۲۶۴۶ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۴ صادره از اداره چهارم اجرای اسناد رسمی تهران و به موجب دستور شماره ۱۴۰۲۰۵۸۰۱۰۱۴۰۰۲۶۷۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۰۸ صادره از اداره چهارم اجرای اسناد رسمی تهران و به موجب دستور شماره ۱۴۰۲۰۵۸۰۱۰۱۴۰۰۲۸۴۹ مورخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۸ صادره از اداره چهارم اجرای اسناد رسمی تهران برای مالکیت بیمارستان آریا بازداشت می‌باشد، تقاضای صدور المثنی سند مالکیت پلاک مذکور را نموده است در اجرای ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت (اصلاحی ۸۰/۱۱/۰۸) مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه شخص یا اشخاصی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود باشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند. بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نگردد طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد.

م الف: ۱۱۳۵۵ **سارا صالحی - سرپرست حوزه ثبت ملک ولیعصر تهران - از طرف محمدقاسم الهی پارسا**

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران

آگهی فقدان (پلاک ثبتی ۱۲۴۳ فرعی از ۴-اصلی)

آقای حسین رحیمی طاهونه با کدملی ۴۴۳۳۲۰۱۳۷۵ (اصالتا) ضمن تسلیم دو برگ استشهادیه مصدق شده توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۰ شهرقدس استان تهران تحت شناسه یکتای ۱۴۰۳۰۲۱۵۴۰۱۷۰۰۰۱۷۹ و ۱۴۰۳۰۲۱۵۴۰۱۷۰۰۰۱۸۰ با رمز تصدیق ۲۸۵۸۴۰ و ۷۵۶۰۲۲ تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۰۴ مدعی فقدان سند مالکیت یک ممیز شش دهم دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ثبتی فوق به علت اثاث‌کشی می‌باشند که مشخصات آن به شرح ذیل می‌باشد: یک ممیز دو دهم دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین طلق به پلاک ثبتی (۱۲۴۳) یک هزار و دویست و چهل و سه فرعی از چهار اصلی مفروز و مجزی شده از شماره (۶۸۲ الی ۶۷۸) قطعه پنجاه و یک تفکیکی واقع در بخش ده حوزه ثبتی زیبادشت استان تهران به مساحت (۱۱۳۰) یک هزار و یکصد و سی مترمربع، برابر سند انتقال قطعی به شماره ۷۵۲۶۷ تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۸ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۵۵۰ شهر تهران استان تهران به نام آقای حسین رحیمی طاهونه فرزند غلامحسین شماره شناسنامه ۱ تاریخ تولد ۱۳۲۴/۰۱/۲۰ صادره از یزد دارای شماره ملی ۴۴۳۳۲۰۱۳۷۵، به عنوان مالک یک ممیز شش دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان ثبت و سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۹۶۱۴۵۳ سری ب سال ۹۹ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۹۲۰۳۰۱۱۴۷۰۳۱۸۰۵ صادر گردیده است. لذا با توجه به اعلام نامبرده و فقدان سند مالکیت به علت اثاث و درخواست صدور سند مالکیت المثنی، در اجرای تبصره یک ذیل ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمایید تا مورد بررسی قرار گیرد و به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد. پس از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

م الف: ۱۱۳۵۷ **افشین رسولی - کفیل واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران از طرف رجب محمد فاضلی فر**

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- حوزه ثبت ملک لویزان تهران

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه فخرالدین صدیقی به وکالت از صابر مشفقی طبق وکالت نامه شماره ۱۸۲۴۸۳ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۱ دفترخانه ۴۲۶ تهران با اعلام مفقود شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ۱۹۹۸۵ و ۱۹۹۸۶ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۶ دفترخانه ۴۲۶ تهران و درخواست وارده ۱۴۰۳۸۵۶۰۱۱۵۱۰۰۴۲۴۴ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۸ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده‌اند، مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد: نام و نام خانوادگی مالک: صابر مشفقی شماره پلاک ثبتی: ۱۷۴۸۵ فرعی از ۴۸ اصلی علت گم شدن: جابه جایی خلاصه وضعیت مالکیت: سند مالکیت تک برگ ششدانگ یک دستگاه آپارتمان به شماره ۱۷۴۸۵ فرعی از ۴۸ اصلی قطعه سوم تفکیکی مفروز و مجزا شده از پلاک ۲۱۳۷ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۱ تهران به مساحت ۵۴/۶۸ مترمربع واقع در طبقه دو با قدرالسهم از مشاعات و مشترکات طبق قانون تملک آپارتمان‌ها و آیین‌نامه اجرایی آن ذیل ثبت الکترونیک ۱۳۹۷۲۰۳۰۱۱۵۱۰۰۵۱۰۵ به شماره چاپی ۰۷۵۷۱۳ سری ج سال ۹۶ به نام صابر مشفقی ثبت و صادر و تسلیم شده است. اینک با توجه به اعلام مفقودی سند مالکیت مورد ثبت فوق‌الذکر و درخواست صدور المثنی آن؛ مراتب اعلام تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده و این معامله در این آگهی قید نگردیده یا مدعی وجود اسناد مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. بازداشت ندارد تاریخ انتشار

م الف: ۱۱۳۵۸ **ابوالفضل تریوه - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک لویزان تهران از طرف سیدمجیدرضا سادات حسینی**

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- حوزه ثبت ملک مولوی تهران

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم صغرا شاهودروقی با اعلام گم شدن سند مالکیت ملک مورد آگهی با تسلیم استشهادیه گواهی امضاء شده ذیل شماره ۲۷۹۰۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۹ دفترخانه ۵۹۳ تهران طی درخواست وارده ۳۰۱۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۹ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را نموده‌اند که مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت به شرح زیر آگهی می‌گردد: ۱- نام و نام خانوادگی: خانم صغرا شاهودروقی مالک ۳ دانگ مشاع از ششدانگ ۲- شماره پلاک: ۱ فرعی از ۱۸۳۴ اصلی واقع در بخش ۵ تهران ۳- علت گم شدن: جابه جایی ۴- خلاصه وضعیت مالکیت یک قطعه آپارتمان نوع ملک طلق به پلاک ثبتی ۱ فرعی از ۱۸۳۴ اصلی، مفروز و مجزا شده از فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۲ در طبقه ۰۲ و واقع در بخش ۰۵ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک مولوی تهران استان تهران به مساحت ۳۶/۷۸ مترمربع مشخصات مالکیت: مالکیت صغرا/ شاهودروقی فرزند عبدالله شماره شناسنامه ۱۴ تاریخ تولد دارای شماره ملی با جزسهم ۳ از کل سهم ۶ به عنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۷۲۳۸ تاریخ ۱۳۸۱/۰۲/۲۵ موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۰۰۳۶۵۴ سری سال که در صفحه ۴۶۰ دفتر املاک جلد ۲۳۸ ذیل شماره ۸۲۰۵۴ ثبت گردیده است. به گواهی دفتر بازداشتی ملک مذکور بازداشت ندارد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق‌الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. نشانی ثبت محل: خیابان شیخ هادی نرسیده به خیابان جمهوری نبش کوچه رجب بیگی پلاک ۳۶۶ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی

م الف: ۱۱۳۵۹ **الیاس صهبا - رئیس حوزه ثبت ملک مولوی تهران از طرف بهرام محمد حکمتی**

خبرسازان

۴ میلیون بیمار نادر

«تعداد بیماری‌های نادر شناخته‌شده در جهان ۷ هزار بیماری است و تعداد شناخته‌شده آن در کشور تاکنون ۴۴۵ بیماری با برآورد جمعیتی ۴ میلیون نفر بوده است.» معصومه هداوند، رئیس اداره بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج مرکز مدیریت پیوند و درمان بیماری‌های وزارت بهداشت با اعلام این خبر گفت: «درحال حاضر ۱۰۷ نوع بیماری خاص و صعب‌العلاج از محل تبصره ماده ۹ اساسنامه صندوق بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج با ارائه مستندات به کمیته‌های استانی، از پوشش بیمه بهره‌مند می‌شوند.» رئیس اداره بیماری‌های خاص و صعب‌العلاج وزارت بهداشت ادامه داد: «پوشش ۱۰۰ درصدی تعویض مفصل در بیماران هموفیلی بدون سقف، یکی دیگر از اقدامات انجام‌شده در حمایت از این بیماران است.» به گفته او با افزایش تخت‌های دیالیز، هم‌اکنون نسبت بیمار به تخت دیالیز به عدد ۴/۲ رسیده که عدد مطلوب ۴ است.

حداقل و حداکثر قیمت لباس فرم مدارس

مدیرکل انجمن اولیا و مربیان وزارت آموزش‌وپرورش جزئیات کف و سقف نرخ لباس فرم مدارس را برای سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ اعلام کرد. عاطفه‌سادات مدبرنژاد دراین‌باره گفت: «آخرین گزارش دریافتی ما نشان می‌دهد که در تهران کف قیمت لباس فرم ۵۴۸ هزار تومان و سقف آن ۸۲۵ هزار و ۵۰۰ تومان برای پیراهن و شلوار و کت و شلوار یک میلیون و ۹۱۶ هزار تومان است. همچنین استان‌ها موظف هستند از ظرفیت هنرستان‌ها برای تولید لباس فرم استفاده کنند.» او ادامه داد: «یکی از اصلی‌ترین وظایف ما اطلاع‌رسانی به والدین برای ثبت‌نام در سامانه سپند است که آدرس آن طی بخشنامه‌ای به استان‌ها ارسال شده است و والدین تا اول تیرماه فرصت دارند درخواست خود را در سامانه سپند ثبت کنند.» مدبرنژاد با بیان ابلاغ شیوه‌نامه انتخاب مدرسان آموزش خانواده به استان‌ها گفت: «این کار به‌صورت تفویض استانی انجام می‌شود و در استان اصفهان آزمون انتخاب مدرس آموزش خانواده برگزار می‌شود. همچنین مدرسان قبلی باید تعیین تکلیف شوند و فرم ارزیابی آنها تهیه شده است که امیدواریم با پیگیری جدی این امور در استان‌ها به اهداف موردنظر در زمینه آموزش خانواده برسیم.»

بی‌سوادان بالای ۴۰ سال

«بسیاری از بی‌سوادان بالای ۴۰ سال هستند و با این روش می‌توانند با آموختن قرآن باسواد شوند. نزدیک به ۲۵۰ هزار نفر در کشور از این مسیر باسواد شده‌اند، ولی هنوز در تعاریف رسمی بی‌سواد تلقی می‌شوند.» علیرضا عبدی، معاون سوادآموزی وزیر آموزش‌وپرورش ادامه داد: «با پراکندگی مدارس در سطح کشور، مدرسه‌محوری می‌تواند به تحقق اهداف نهضت کمک کند، مدیران مدارس مسئول این کار خواهند بود و تصمیم می‌گیرند چگونه با افراد بی‌سواد در محل خود برخورد کنند و با چه روش‌هایی آنها را باسواد کنند. برای این منظور، سرانه نهضت را برای مدل مدرسه‌محوری سه‌برابر کرده‌ایم یعنی از ۱۲۰۰ تومان به ۳۶۰۰ و ۴۰۰۰ تومان افزایش یافته است. ما ظرفیت فوق‌العاده‌ای به‌نام نهضت دانش‌آموزی، نهضت اولیا و مربیان، معلمان و نیروهای جهادی و طرح روستای باسواد داریم که همه در خدمت مدارس برای کمک به این امر قرار دارد. در تعریف سواد تغییراتی اعمال کرده‌ایم تا با برخورد احساسی مواجه‌نشویم.»